

MANUFACTURING ENTERPRISES

شرکت های تولیدی

A merchandising company buys its inventory in a ready-to-sell condition. Therefore, its cost of goods sold is simply the purchase price of the products it sells. A manufacturing company, however, by itself produces the goods that it sells. As a consequence, its cost of goods sold consists of various manufacturing costs, including the cost of materials, workers' wages, and a variety of other costs relating to the operation of a production facility.

یک شرکت بازرگانی موجودی اش را در شرایط آماده برای فروش خریداری می کند. بنابراین، بهای تمام شده کالای فروش رفته اش بسادگی از قیمت خرید محصولات فروخته شده اش تشکیل می شود. اما یک شرکت تولیدی تولیدات خودش را به عنوان محصول می فروشد. در نتیجه بهای تمام شده کالای فروش رفته اش عبارت است از هزینه های گوناگون ساخت که شامل بهای مواد، دستمزد کارگران و یک گوناگونی از هزینه های دیگر که موجب سهولت در عملیات تولید می شوند.

Inventories

Manufacturers often maintain a perpetual inventory system for three different types of inventories due to different physical forms of products as they progress from its raw to finished state. Inventory accounts that manufacturers maintain are:

موجودیها

تولیدکنندگان اغلب برای سه نوع مختلف از موجودیهای یک سیستم دائمی موجودی را بسته به اختلاف آنها به علت شکل فیزیکی محصولات در فرایند حرکت آنان از مواد خام به سوی حالت تکمیل شده است، را نگهداری می کنند. حساب های موجودی که تولیدکنندگان نگهداری می کنند، عبارتند از:

Raw materials inventories are materials on hand and available for use in the manufacturing process.

موجودیهای مواد اولیه که مواد در دسترس و آماده برای استفاده در فرایند تولید را گویند.

Work-in-process inventories are goods completed partially upon which manufacturing activities have been started but not yet completed.

موجودی کالای در جریان ساخت کالاهای نیمه تکمیل را که فرایند تولیدی آنها شروع شده اما هنوز پایان نیافته را گویند.

Finished goods inventories are completed products that are not sold until the end of the period. So, they are available for sale to customers.

موجودی کالای تکمیل شده محصولات تکمیل شده ای که تا پایان دوره مالی فروخته نشده اند را گویند. همچنین آنها آماده فروش به مشتریان هستند.

All three of these inventory accounts are classified on the balance sheet as current assets in the order of their position in the manufacturing process.

تمام این سه دسته حسابهای موجودی در ترازنامه در قسمت داراییهای جاری و به ترتیب موقعیتشان در فرایند تولید طبقه بندی می شوند.

Manufacturing Costs

Manufacturing companies purchase raw materials and convert these materials into finished goods through the process of production. The conversion from raw materials to finished goods results from utilizing a combination of labor and machinery. Thus, manufacturing costs often divided into three board categories: direct materials, direct labor, and manufacturing overhead.

هزینه های تولید

شرکتهای تولیدی مواد اولیه را می خرند و این مواد را از طریق فرایند تولید به کالای تکمیل شده تبدیل می کنند. این تبدیل از مواد اولیه به کالای تکمیل شده حاصل بکارگیری ترکیبی از نیروی کار و ماشین الات است. بنابراین، هزینه های ساخت اغلب به سه دسته تقسیم بندی می شوند: مواد مستقیم، دستمزد مستقیم و سربار ساخت.

Direct materials are the raw materials and component parts used in production whose costs are directly traceable to the products manufactured.

مواد مستقیم، مواد اولیه یا اجزای متشکله استفاده شده در محصول که هزینه های آنها بطور مستقیم قابل ردیابی به محصولات تولید شده است را گویند.

Direct labors are wages and other payroll costs of employees whose efforts are directly traceable to the products they manufacture, either by hand or with machinery.

دستمزد مستقیم، دستمزد و سایر هزینه های حقوق پرداختی به کارکنانی که فعالیتشان بطور مستقیم قابل ردیابی به محصولاتی که آنها چه دستی چه ماشینی تولید می کنند را گویند.

Manufacturing overhead is a catchall classification, which includes all manufacturing costs other than the cost of direct materials and direct labor. Examples include factory utilities, supervisor salaries, equipment repairs, and depreciation of machinery.

سربار تولید یک طبقه بندی کلی است که شامل تمام هزینه های تولید بغیر از هزینه مواد مستقیم و دستمزد مستقیم می باشد. که بطور مثال شامل هزینه های عمومی کارخانه، حقوق سرپرستان، تعمیر تجهیزات و استهلاک ماشین آلات می گردد.

The sum of the first two items (i.e., direct material and direct labor) is called prime costs. Conversion costs are costs of converting direct material into finished product and include direct labor and manufacturing overhead.

جمع دو اitem اول (مواد مستقیم و دستمزد مستقیم) بهای اولیه نامیده می شود. بهای تبدیل به هزینه های تبدیل مواد مستقیم به کالای تکمیل شده گفته می شود و شامل دستمزد مستقیم و سربار ساخت می باشد.

Period and Product Costs

It must be noted that these three costs are not expense when occur. They are called product costs because they can be associated with the production of specific revenues. Product costs are considered as an asset when they occur. Whenever they are sold, they become expense (i.e., cost of goods sold) which are period costs.

دوره مالی و بهای تولید

باید متذکر شد که این سه نوع هزینه در زمانی که اتفاق می افتند به حساب هزینه منظور نمی گردند. آنها بهای تولید نامیده می شوند زیرا در درآمد مشخص تولیدات مشارکت دارند. بهای تولید زمانی که اتفاق می افتد به عنوان دارایی مطرح می گردند. هر زمان که آنها فروخته شده اند، آنها هزینه می گردند (بهای تمام شده کالای فروخته شده) که هزینه های دوره هستند.

Accounting for Raw Material

In a perpetual inventory system, the costs of direct material purchased are debited directly to the material inventory account. As these materials are sent into production, their costs are transferred from the raw material inventory to the work-in-process inventory.

حسابداری مواد اولیه

در یک سیستم موجودی دائمی، بهای مواد مستقیم خریداری شده مستقیماً حساب موجودی مواد اولیه را بدهکار می کند. هنگامی که این مواد برای تولید فرستاده می شوند، بهایشان از حساب موجودی مواد اولیه به حساب موجودی کالای در جریان ساخت منتقل می شود.

Accounting for Direct Labor

To record the payroll costs of direct workers and assign this cost to the goods under production the direct labor account is used. This account is credited when the workers contribute to the production process during the period. The offsetting debit is to work-in-process account to show the direct labor cost assigned to production. At the end of each month, the credit balance of this account shows the amount to be paid to the workers. To record the payment, this account is debited and the bank account is credited for the amounts equal to the checks drawn.

حسابداری دستمزد مستقیم

برای ثبت بهای حقوق کارگران مستقیم و تخصیص این هزینه ها به کالای در دست تولید حساب دستمزد مستقیم استفاده می شود. این حساب زمانی که طی دوره کارگران در فرایند تولید شرکت می کنند بستانکار می شود. بدهکاری مقابل آن در حساب کالای در جریان ساخت دستمزد مستقیم تخصیص یافته به تولیدات را نشان می دهد. در پایان هر ماه، مانده بستانکار این حساب نشان میدهد که چه میزان باید به کارگران پرداخت شود. برای ثبت پرداخت، این حساب بدهکار و حساب بانک به میزان مبلغ چکهای کشیده شده بستانکار می گردد.

Accounting for Overhead Costs

All manufacturing costs other than direct materials and direct labors are factory overhead. A manufacturing overhead account is used to record all costs classified as overhead and assign these costs to products being manufactured. There are variety overhead costs, which are difficult to keep them in one ledger account. Therefore, subsidiary accounts are maintained to keep track of various overhead costs. Because of diverse nature of manufacturing companies, it is impossible to name all overhead costs. However, some examples include indirect materials, indirect labors, factory depreciation, insurance and property taxes, maintenance and repairs, and utilities.

حسابداری هزینه های سربار

تمام هزینه های تولید غیر از مواد مستقیم و دستمزد مستقیم سربار کارخانه نامیده می شود. یک حساب سربار تولید برای ثبت تمام هزینه های طبقه بندی شده به عنوان سربار و تخصیص این هزینه ها به محصولات در حال تولید استفاده می شود. انواع گوناگونی از هزینه های سربار وجود دارد که نگهداری آنها در یک حساب دفتر کل مشکل است. بنابراین حسابهای معین نگهداری می شوند تا اثر حسابهای مختلف سربار را ردیابی کنند. بدلیل ماهیت مختلف شرکتهای تولیدی نام بردن از تمام هزینه های سربار ممکن نیست. اگرچه مثالهایی مانند مواد غیرمستقیم، دستمزد غیرمستقیم، استهلاک کارخانه، بیمه و مالیات اموال، هزینه های تعمیرات و نگهداری و هزینه های عمومی (از قبیل آب، برق، گاز، تلفن) می توان برشمرد.

Overhead Application Rates

As an indirect cost of production, overhead costs cannot be easily and directly traced to specific units of production. Therefore, manufacturing overhead is allocated to products through the use of overhead application rates. The overhead application rate is determined at the beginning of the period and is estimated as follows:

$$\text{Overhead application rate} = \frac{\text{Estimated overhead costs}}{\text{Estimated units of the application base}}$$

نرخ تخصیص سربار

به عنوان یک هزینه غیرمستقیم محصول، هزینه های سربار نمی توانند به آسانی و بطور مستقیم به واحدهای خاصی از محصولات ردیابی شوند. بنابراین سربار تولید از طریق استفاده از نرخ جذب سربار به محصولات تخصیص می یابد. نرخ جذب سربار در ابتدای دوره تعیین می گردد و از طریق زیر برآورد می گردد:

$$\text{نرخ جذب سربار} = \frac{\text{هزینه های برآوردی سربار}}{\text{واحدهای برآوردی بر مبنای ظرفیت عملی}}$$

Underapplied and Overapplied Overhead

Using the estimated rate, overhead costs are applied to products. The journal entry is to debit work-in-process account and to credit overhead controlling account. Meanwhile, actual overhead costs are incurred and debited to overhead controlling account. As a result, overhead controlling account shows actual and estimated overhead costs in debit and credit side respectively. At the end of period, the balance of the overhead account shows a variance for overhead costs, which could be overapplied, for a credit balance, or underapplied, for a debit balance. This overhead variance, after being analyzed, must be allocated between cost of goods sold and ending inventories of materials, work-in-process, and finished goods.

کسر جذب و اضافه جذب سربار

کاربرد نرخ برآوردی، هزینه های سربار را به محصولات تخصیص میدهد. یک ثبت دفتر روزنامه برای بدهکار کردن حساب کالای در جریان ساخت و بستنکار کردن حساب کنترل سربار انجام می شود. در همین زمان، هزینه های سربار واقعی نیز اتفاق می افتد و به حساب کنترل سربار بدهکار می شوند. در نتیجه، حساب کنترل سربار سربار واقعی و برآوردی را به ترتیب در سمتهای بدهکار و بستنکارش نمایش میدهد. در پایان دوره، مانده حساب کنترل سربار یک انحراف را برای هزینه های سربار نشان میدهد که برای مانده بستنکار اضافه جذب و برای مانده بدهکار کسر جذب نامیده می شود. این انحراف سربار، بعد از اینکه تجزیه و تحلیل شد، باید بین بهای کالای فروخته شده و موجودی مواد پایان دوره، کالای در جریان ساخت و کالای ساخته شده تسهیم شود.

Costs of Finished Goods Sold

Most manufacturing companies prepare a schedule of the cost of finished goods manufactured or sold to be used in their income statements. Here, a schedule of finished goods sold is shown. Note that this table is used in turn in an income statement. Three ending inventories in this table are also shown on the balance sheet.

بهاي تمام شده كالاي فروش رفته

اکثر شرکتهای تولیدی یک جدول بهاي تمام شده كالاي ساخته شده یا فروش رفته را براي استفاده در صورت سود و زیان مهیا می شوند. اینجا یک جدول كالاي فروش رفته نشان داده شده است. توجه که این جدول در داخل یک صورت سود و زیان استفاده می شود. سه موجودی پایان دوره این جدول هم در ترازنامه نمایش داده می شوند.

Ajax manufacturing inc		
Schedule of the cost of goods sold		
For the year then ended December 31 2004		
Raw materials beginning inventory	1000	
Raw materials purchased	<u>12000</u>	
Materials available for use	13000	
Less: ending materials inventory	<u>3000</u>	
Direct materials used	10000	
Direct labor	14000	
Factory overhead	<u>15000</u>	
Total manufacturing costs		39000
Add: beginning work-in-process inventory		<u>4500</u>
Goods available for manufacturing		43500
Less: ending work-in-process inventory		<u>3500</u>
Cost of finished goods manufactured		40000
Add: beginning finished goods inventory		<u>6000</u>
Cost of finished goods available for sale		46000
Less: ending finished goods inventory		<u>4000</u>
Cost of finished goods sold		42000

شرکت تولیدی آزاکس		
جدول بهای تمام شده کالای فروش رفته		
برای دوره منتهی به ۳۱ دسامبر ۲۰۰۴		
موجودی مواد اولیه ابتدای دوره	1000	
مواد اولیه خریداری شده	<u>12000</u>	
مواد اولیه آماده برای مصرف	13000	
کسر می شود: موجودی مواد پایان دوره	<u>3000</u>	
مواد اولیه مستقیم مصرف شده	10000	
دستمزد مستقیم	14000	
سربار کارخانه	<u>15000</u>	
جمع بهای تولید		39000
اضافه می شود: کالای در جریان ساخت ابتدای دوره		<u>4500</u>
کالای آماده برای ساخت		43500
کسر می شود: موجودی کالای در جریان پایان دوره		<u>3500</u>
بهای کالای ساخته شده		40000
اضافه می شود: موجودی کالای ساخته شده ابتدای دوره		<u>6000</u>
بهای کالای ساخته شده آماده برای فروش		46000
کسر می شود: موجودی کالای ساخته شده پایان دوره		<u>4000</u>
بهای کالای ساخته شده فروش رفته		<u>42000</u>

این متن مربوط به درس هشتم کتاب ENGLISH FOR THE STUDENT OF ACCOUNTING آقای عبدالرضا تالانه می باشد